





پایان نامه تحصیلی جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته حقوق خصوصی

عنوان:

بررسی ابعاد حقوقی ازدواج سفید و نهادهای مشابه آن در ایران

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر محسن فلاح

نگارش:

حمیدرضا رادوین مهر

۱۳۹۸

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
	فصل اول
۱	الف- بیان مسأله
۱	ب- مرور ادبیات و سوابق مربوطه
۲	ج- اهداف مشخص تحقیق
۲	د- ضرورت تحقیق :
۲	هـ - سوالات تحقیق:
۲	و- فرضیه های تحقیق
۲	ز- روش تحقیق
۳	ح- ساختار تحقیق :
	فصل دوم : ازدواج سفید و ابعاد حقوقی آن
۵	بخش اول: مبانی نظری و تاریخی ازدواج سفید
۵	مبحث اول: تعاریف و اصطلاحات
۵	گفتار اول: ازدواج عرفی
۱۰	گفتار دوم: ازدواج سفید
۱۱	مبحث دوم: خاستگاه تاریخی
۱۱	گفتار اول: در ایران
۱۲	گفتار دوم: در سایر کشورها
۱۵	گفتار سوم : ازدواج از دیدگاه اخلاق
۱۸	بخش دوم: ابعاد و آثار حقوقی در ازدواج سفید
۱۸	مبحث اول: مشروعیت و حضانت فرزند در ازدواج سفید
۱۹	مبحث دوم: ارث و اعمال آن در ازدواج سفید
	فصل سوم : ماهیت ازدواج سفید و مقایسه با نهادهای سفید
۲۳	بخش اول: ازدواج موقت و مقایسه آن با ازدواج سفید
۲۴	مبحث اول: ازدواج موقت و ابعاد حقوقی آن
۲۴	گفتار اول: تعریف و تبیین ازدواج موقت

۲۶	گفتار دوم: ابعاد فقهی و حقوقی ازدواج موقت
۲۶	بند اول: ازدواج موقت قبل از بلوغ
۲۸	بند سوم: اجازه پدر یا جد پدری در ازدواج موقت دختر بالغ
۳۲	بند چهارم: طلاق بار سوم و نهم
۳۵	گفتار دوم: ازدواج موقت مرد مسلمان با زن غیرمسلمان غیر اهل کتاب
۳۵	بند اول: ارتداد زن یا شوهر بعد از ازدواج موقت
۳۵	بند دوم: احرام
۳۷	مبحث دوم: روابط مالی در ازدواج موقت
۳۷	گفتار اول: شروط ضمن عقد در ازدواج موقت
۳۷	بند اول: مهر در ازدواج موقت
۴۰	بند دوم: تراضی مقدار مهر در ازدواج موقت (مهر المسمی)
۴۰	بند سوم: شرط بطلان ازدواج موقت در صورت عدم تأدیه مهر
۴۳	گفتار دوم: اقسام مهر
۴۴	بند اول: کدام عنوان مهر، مربوط به ازدواج موقت است
۴۵	بند دوم: تعیین مهر المثل به جای مهر المسمی
۴۶	بند سوم: وضعیت مهریه در ازدواج موقت
۵۰	بند پنجم: فسخ عقد ازدواج موقت بعد از نزدیکی
۵۲	گفتار سوم: حق امتناع زن از تمکین در ازدواج موقت
۵۳	بند اول: تمکین عام و تمکین خاص
۵۳	ب: تمکین عام
۵۴	بند دوم: ساقط شدن حق امتناع زن در ازدواج موقت
۵۵	مبحث سوم: شرایط صحت ازدواج موقت
۵۵	گفتار اول: قصد انشاء در ازدواج موقت
۵۵	بند اول: الفاظ در ازدواج موقت
۵۶	بند دوم: ایجاب و قبول
۵۶	بند سوم: ایجاب و قبول توسط ولی در ازدواج موقت
۵۸	گفتار دوم: تعیین زن و شوهر در ازدواج موقت
۵۸	بند اول: تعلیق در ازدواج موقت
۵۹	بند دوم: شرط خیار در ازدواج موقت
۵۹	بند سوم: وکالت در ازدواج موقت
۶۰	بند چهارم: حدود اختیارات وکیل در ازدواج موقت
۶۱	بند پنجم: نحوه خواندن صیغه ازدواج موقت

- بند ششم: تعیین مدت در ازدواج موقت ۶۲
- گفتار سوم: محدودیت عددی در ازدواج موقت ۶۳
- بند اول: حقوق و تکالیف زوجین نسبت به یکدیگر در ازدواج موقت ۶۴

فصل چهارم: حق نفقه زن با شروط در عقد موقت

- مبحث اول: شرط حق نفقه در ضمن عقد ازدواج موقت ۶۷
- بند اول: نفقه برای تمام مدت ۶۷
- بند دوم: نفقه برای قسمتی از مدت ۶۷
- بند سوم: نفقه بیش از مدت ۶۷
- بند چهارم: تعیین نفقه بعد از عقد ۶۷
- بند پنجم: عدم شرط نفقه و مدت طولانی ۶۸
- گفتار دوم: شرایط حق نفقه در ازدواج موقت ۶۸
- بند اول: استنکاف شوهر از پرداخت حق نفقه در ازدواج موقت ۶۹
- گفتار سوم: ارث در ازدواج موقت ۷۰
- بند اول: شرط ارث در ازدواج موقت ۷۰
- بند دوم: نحوه ارث بردن زن و شوهر در ازدواج موقت ۷۲
- بند سوم: نکاح منقطع و تعدد زوجات ۷۲
- گفتار چهارم: سرنوشت فرزندان در ازدواج موقت ۷۳
- مبحث پنجم: مقایسه ازدواج دائم و ازدواج سفید ۷۶
- بخش دوم: بررسی تطبیقی ازدواج سفید و نهادهای مشابه آن ۸۰
- مبحث اول: ازدواج سفید در جوامع غربی ۷۹
- مبحث دوم: ازدواج سفید در ایران ۸۴
- مبحث سوم: مزایا و معایب ازدواج سفید ۹۶
- نتیجه ۱۰۰
- پیشنهاد ۱۰۳
- منابع: ۱۰۷

ازدواج برای غربی ها رابطه ای خصوصی و شخصی است. ولی وقتی زن و مردی فقط به دلایل شخصی خودشان زیر یک سقف رفته و بدون ثبت رسمی، قانونی و حقوقی در کنار هم زندگی می کنند و هم خانه میشوند، به آن ارتباط ازدواج سفید گفته می شود. زندگی بدون ازدواج یکی از شیوه های رایج زندگی در غرب است. بیش از دوسوم زوج های آمریکایی پیش از ازدواج رسمی، مدتی را بدون ازدواج با یکدیگر زیر یک سقف می گذرانند. در سال ۱۹۹۴، حدود ۷/۳ میلیون زوج آمریکایی بدون ازدواج با یکدیگر زندگی می کردند و نزدیک به اواخر دهه ۱۹۹۰، حداقل ۵۰ تا ۶۰ درصد زوج ها پیش از ازدواج رسمی، مدتی را بدون ازدواج با یکدیگر می گذراندند. این در حالی است که تا پیش از ۱۹۷۰، زندگی بدون ازدواج در ایالات متحده غیرقانونی بود. طبق آمار آمریکا، تعداد زوج های ازدواج نکرده ای که با یکدیگر زندگی کرده اند، از ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۰ ده برابر شده و اکنون، زندگی بدون ازدواج، به مرحله ای عادی در روند آشنایی دو فرد تبدیل شده است.

کلیدواژه ها : ازدواج، خانواده، ازدواج سفید

فصل اول

مقدمه

الف- بیان مسأله

اصطلاح ازدواج سفید یکی از پدیده های نوظهوریست که چندیست با آن روبرو میشویم. از آنجاییکه حقوق متغیری وابسته، واقعیات اجتماعی میباشد و امروز ازدواج سفید بعنوان یک واقعیت در جامعه است. اصطلاح ازدواج سفید دو کاربرد جدید و کهن متفاوت دارد: کاربرد جدید نمونه فارسی آن میباشد که اصطلاحی برای توصیف زندگی مشترک بدون ازدواج رسمی است. از این زندگی مشترک دو تعریف متفاوت وجود دارد، گروهی در ایران می گویند: مقصود از ازدواج سفید آن است که زوجین بدون عقد نکاح اقدام به ازدواج و تشکیل زندگی مشترک میکنند، اما منابع فارسی زبان آلمان زندگی مشترک بدون ازدواج یا ازدواج سفید پیش زمینه ای برای بسیاری از دواجهای رسمی مطرح میکنند.

همچنین گروهی دیگر در ایران آن را معادل زندگی مشترک بدون ازدواج یا همپاشی مطرح میکنند که طرفین همدیگر را متعهد به یکدیگر نمی دانند. این ازدواج اکنون در جوامع غربی به یک پدیده عادی بدل شده است. با توجه به تعاریف و توضیحات، بدیهیست این نوع ازدواج در ایران مورد پسند نخواهد بود. از این نوع ازدواج در ایران به دلیل اینکه بصورت مخفیانه صورت میگیرد آمار دقیقی در دست نیست ولیکن نمیتوان منکر وجود آن شد. حال با توجه به اهمیت این موضوع که تاثیر بسزایی در استحکام و یا فروپاشی روابط و خانواده خواهد داشت و همچنین اهمیت نهاد خانواده در فرهنگ و جامعه ایرانی شایسته است در این باب به بررسی دقیق تر این پدیده پرداخته شود.

ب- مرور ادبیات و سوابق مربوطه

طی تحقیقات و مطالعات صورت گرفته تاکنون در این باب مقالات مختصری دیده شده که متاسفانه بصورت

کتب یا پایانامه نمیباشند و تنها به تحقیق کوتاه و خلاصه بسنده شده که در این میان ازدواج سفید را به ضرر دختر دانسته اند و بعنوان یکی از راههای فرار از ازدواج شناخته شده است. همچنین این رابطه نه از سوی خانواده و نه نهادهای اجتماعی پذیرفته نمیشود. بنابراین میتواند آسیبهایی زیادی بهمراه داشته باشد. همچنین فراهم کردن زیرساختهای مناسب اجتماعی، اقتصادی و ازسوی دیگر فرهنگ سازی و تشویق جوانان را به ازدواج از راههای مقابله و پیشگیری از ازدیاد این پدیده دانسته اند.

ج- اهداف مشخص تحقیق

باتوجه به اهمیت موضوع خانواده و ازدواج که در فرهنگ ایران یکی از اموری است که آداب و رسوم خاص خود را داراست تحقیق و مطالعه و رسیدن به نتایج موثق میتواند گامی مثبت جهت پیشگیری از تاثیرات منفی و پیشبرد اهداف سازنده در جامعه باشد.

د. ضرورت تحقیق :

با توجه به اینکه رواج ازدواج سفید و تغییر سبک زندگی مدرنیته و اینکه ازدواج سفید یک پدیده و یک واقعیت اجتماعی نوظهور می باشد و توجه به این مهم غیر قابل انکار است. ضرورت بررسی و تحقیقات بیشتر در خصوص این سبک ازدواج در جامعه و فرهنگ ایرانی احساس می شود.

ه- سوالات تحقیق:

۱- علت رواج ازدواج سفید در جوامع غربی چیست؟

آیا بنا به نظر فقهای امامیه ازدواج سفید در قالب نکاح معاطاتی شرعی می باشد؟

آیا ازدواج سفید و عقد موقت در مبحث ارث مشابه اند ؟

و- فرضیه های تحقیق

۱. عدم پذیرش مسئولیت ناشی از ازدواج خصوصا مباحث مالی و مرتبط با آن موجب بروز پدیده ازدواج سفید در جوامع گردیده است که تاثیر منفی و اثرات غیر قابل جبرانی بر نظام خانواده دارد .
۲. طبق نظر فقها ، برخی از فقها موافق و برخی مخالف نکاح معاطاتی هستند اما اکثریت مخالف اند و لفظ را در عقد نکاح لازم و ضروری میدانند.

۳. در ازدواج سفید و در عقد موقت هیچیک از طرفین از یکدیگر ارث نمی برند و این دو از این جهت با یکدیگر شباهت دارند.

ز- روش تحقیق

روش تحقیق در این پایان نامه به صورت تحلیلی - توصیفی و با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای و با مراجعه مستقیم به منابع اینترنتی، مقالات، کتب علمی می باشد.

ح- ساختار تحقیق :

در ابتدای این تحقیق، به مقدمه و ادبیات تحقیق، و روش آن اشاره خواهیم کرد. کل پایان نامه در چهار فصل تدوین گردیده است و هرکدام شامل چند بخش مجزا می باشند. در این پژوهش ابعاد حقوقی ازدواج سفید را مطرح می کنیم و با شرحی مختصر در خاستگاه تاریخی آن در ایران سایر کشورها به استقبال بخش بعدی که آثار حقوقی ازدواج سفید می باشد می رویم. همچنین ماهیت واقعی ازدواج سفید را بررسی نموده و نهادهای مشابه آن را مطرح می نماییم. و در بخش بعدی نگاه تطبیقی به این موضوع خاص خواهیم داشت.

فصل دوم

ازدواج سفید و ابعاد حقوقی آن

بخش اول: مبانی نظری و تاریخی ازدواج سفید

در این فصل که مشتمل بر دو مبحث خواهد بود به بررسی لغوی و اصطلاحی ازدواج سفید خواهیم پرداخت. همچنین در مبحث دوم این فصل به بیان تاریخچه ازدواج سفید در اسناد بین الملل و ایران پرداخته خواهد تا ابتدا به معرفت صحیح پیرامون مفهوم این اصطلاح برسیم و سپس به بررسی دیگر جوانب این اصل بپردازیم.

مبحث اول: تعاریف و اصطلاحات

این مبحث شامل دو گفتار با عناوین ازدواج و ازدواج سفید است که در آن سعی خواهد شد ازدواج سفید را از جهات مختلف مورد تبیین و مفهوم شناسی قرار می دهیم

گفتار اول: ازدواج عرفی

ازدواج یا پیوند زناشویی پیوندی آیینی است که طی احکام یا رسومی خاص بین زن و مرد در مذاهب و کشورهای مختلف برقرار می شود تا به تشکیل خانواده منجر گردد و می تواند منجر به زایش فرزند شود. در برخی از کشورهای جهان، ازدواج همجنس گرایان، یعنی ازدواج دو مرد یا دو زن با یکدیگر و تشکیل خانواده نیز وجود دارد.

مردم شناسان برای اینکه تنوع وسیع اعمال زناشویی مشاهده شده از سوی فرهنگ را در نظر بگیرند چندین تعریف رقابتی از ازدواج پیشنهاد کرده اند ادوارد وست مارک در کتابش با عنوان «تاریخ ازدواج انسان (۱۹۲۱)» ازدواج را به این صورت تعریف می کند^۱: ارتباط پردوام یا کم دوام نر و ماده گذشته از عمل زادآوری محض تا بعد از تولد فرزند. «او در کتاب «آینده ازدواج در تمدن وسترن» تعریف پیشین اش را رد می کند و در عوض بطور موقت ازدواج را این گونه تعریف می کند: «رابطه^۲ یک یا تعداد بیشتری مرد با یک یا تعداد بیشتری زن که بوسیله عرف یا قانون پذیرفته شده است»

ازدواج را چنین تعریف کرده است، «پیوندی بین یک زن و یک مرد بطوریکه بچه های متولد شده از زن بعنوان فرزندان مشروع هر دوی والدین شناخته شوند.» در راستای رویه معمول در میان مردم ساکن قبایل

^۱ ادوارد وست مارک، تاریخ ازدواج انسان، ص ۸۹

جنوب سودان و غرب اتیوپی که به زن‌ها اجازه می‌داد در شرایط خاص در نقش شوهر عمل کنند، کاتلین گوگ [انسان‌شناس بریتانیایی] پیشنهاد داد که آن تعریف را به این صورت تغییر دهند که «یک زن و یک یا چند شخص دیگر»^۱.

دموند لیچ تعریف گافس را مورد انتقاد قرار می‌دهد و آن را در مقوله شناخت حلال‌زادگی (مشروعیت) فرزند بسیار دست و پاگیر می‌داند و پیشنهاد می‌کند که ازدواج را مانند انواع متفاوتی از قوانین که برای اجرایی شدن وضع می‌شوند نگاه کنیم. لیچ تعریف‌اش را باز می‌کند و می‌گوید: «ازدواج رابطه‌ای است که بین یک زن با یک یا تعداد بیشتری از اشخاص دیگر برقرار می‌شود- که این روابط تولد کودکی را تحت پیشامدهایی که توسط قوانین رابطه‌ها قدغن نشده‌اند میسر می‌کند- تمامی قوانین همگانی مراتب تولد مطابقت داده شده‌اند با عضوهای معمولی یا سطوح متفاوت جامعه.» استدلال لیچ این است که هیچ‌کدام از تعاریف ازدواج برای همه فرهنگ‌ها قابل اجرا نیست. او لیستی از ده قانون مرتبط‌شده با ازدواج را ارائه می‌کند شامل انحصار جنسی، قوانینی با احترام به کودک و قوانین متنوع ویژه‌ای از سوی فرهنگ.

دوران بل همچنین تعریف بنیان مشروعیت را با این اصل که برخی جوامع برای ازدواج به مشروعیت احتیاج ندارند مورد نقد قرار می‌دهد و اینگونه استدلال می‌کند: در جوامعی که نامشروعیت فقط به معنای ازدواج نکردن مادر است و غیر از این هیچ قانون ضمنی دیگری وجود ندارد تعریف بنیان مشروعیت ازدواج چرخه‌ای است. او تعریف ازدواج را در مقوله قوانین دستیابی جنسی قرار می‌دهد.

وقتی می‌گوییم ازدواج، این یک معنایی و یک دستور زبانی دارد. در دستور زبان ازدواج عرفی شما حداقل دو کنشگر دارید - آن‌ها شخصیت نیستند به این مسئله دقت داشته باشید- نزدیکی تن دارید، منتها باید کنشگر سوم نیز بیاید. کنشگر سوم که ورود پیدا می‌کند این کار را مقبول یا مشروع می‌کند؛ پس در ازدواج عرفی حضور کنشگر سوم صددرصد الزامی است. در ضمن در تعریف ازدواج عرفی حتماً به هدف بچه‌دار شدن جلو می‌روند، البته اگر این اتفاق نیفتاد مشکلی نیست، اما هدف اول آن، این منظور است.

جد ۱۱۹۵۱^۱ یادداشت‌ها و جستجوها راهنمای انسان‌شناسی

ازدواج نهادی است که زندگی افراد را به شیوه‌های گوناگون عاطفی و اقتصادی به هم پیوند می‌زند. در بسیاری از فرهنگ‌های غربی، ازدواج معمولاً به ایجاد خانواده‌ای جدید که از زوج متأهل تشکیل می‌شود منجر می‌شود که در خانه‌ای مشترک با هم زندگی می‌کنند و غالباً از بستر یکسانی استفاده می‌کنند، ولی در بعضی از فرهنگ‌های دیگر سنت این نیست. در میان «میانگ کاباو» ها در غرب سوماترا، در منزل مادری "matrilocal" است و شوهر به خانه مادر زن نقل مکان می‌کند. اقامت بعد از ازدواج می‌تواند در منزل پدری "patrilocal" و یا منزل دایی شوهر "avunculocal" باشد. چنین ازدواج‌هایی در پکن امروزی به طور روزافزونی متداول می‌شوند. «گو جیانمی»، مدیر مرکز مطالعات زنان در دانشگاه پکن به خبرنگار «نیوزدی» گفت: «ازدواج‌های پاره وقت»¹ «نشان دهنده تغییرات گسترده در جامعه چین است «تمهیدی مشابه در عربستان سعودی تحت عنوان» ازدواج مسیار «وجود دارد که در آن زن و شوهر جدا از هم زندگی می‌کنند و به طور مرتب با هم دیدار می‌کنند

از سوی دیگر، ازدواج لازمه همزیستی نیست. در بعضی موارد زوج‌هایی که با هم زندگی می‌کنند دوست ندارد متأهل شناخته شوند. مثلاً هنگامی که حق بازنشستگی یا نفقه به طرز منفی تحت تأثیر قرار می‌گیرند یا به خاطر ملاحظات مالیاتی، مسائل مهاجرتی و دلایل فراوان دیگر. در جوامع امروزی غربی بعضی از زوج‌ها پیش از ازدواج با هم زندگی می‌کنند تا کارایی چنین تمهیدی را در طولانی مدت بیازمایند. در بعضی از موارد هم زیستی ممکن است منجر به ازدواج عرفی شود و در بعضی از کشورها هم زیستی را به رسمیت ازدواج به جهت منافع مالیاتی و امنیت اجتماعی ترجیح می‌دهند. این در مورد استرالیا صدق می‌کند ازدواج نهادی است که به صورت تاریخی توسط جامعه به منظور حفظ منافع بچه‌ها، انتقال ژن‌های سالم، حفظ ارزش‌های فرهنگی، یا به خاطر تعصب و ترس با محدودیت همراه بوده‌است، از هر سن و نژاد تا هر وضعیت اجتماعی، هر نوع قرابت قوم و خویشی و هر جنسیتی. تقریباً همه فرهنگ‌هایی که ازدواج را به رسمیت می‌شناسند زنا با دیگری را تخطی از ضوابط ازدواج می‌دانند.

¹ Walking marriage

ایالات متحده تاریخچه‌ای از قوانین محدودیت در ازدواج دارد. ایالات زیادی به قوانینی که علیه ازدواج بین نژادی بود عمل می‌کردند که اولین بار در قرن ۱۷ (در مستعمره برده داری «ویرجینیا ۱۶۹۱» و «مریلند ۱۶۹۲») مطرح شد و تا ۱۹۶۷ که توسط قانون شهروندی *Loving v. Virginia* واژگون شد ادامه داشت. بسیاری از این ایالات چندین اقلیت را از ازدواج با سفید پوستان منع کردند. مثلاً «آلاباما» «آرکانزاس» و «اوکلاهما» مشخصاً سیاهان را منع کردند. ایلاتی مثل «می‌سی‌سی‌پی» و «میسوری» سیاهپوستان و آسیایی‌ها را ممنوع کردند. ایالاتی چون «کارولینای شمالی و جنوبی» سیاهان و بومیان آمریکایی را و ایالاتی چون «جرجیا»، «کارولینای جنوبی» و «ویرجینیا» همه غیر سفیدپوستان را از ازدواج با سفید پوستان منع کردند. به رسمیت شناختن قانونی ازدواج زوج‌های هم جنس آن طور که برای زوج‌های غیر هم جنس فراهم است، عملی نسبتاً جدید است. در ایالات متحده، مصوبه حمایت از ازدواج ۱۹۹۶ (DOMA) به طرز واضحی ازدواج به جهت اهداف قوانین فدرال را میان یک مرد و یک زن تعریف می‌کند و اجازه می‌دهد ایالت‌ها ازدواج هم جنس‌ها در ایالات دیگر را نادیده بگیرند (گرچه استدلال می‌شود که ایالت‌ها می‌توانستند قبلاً هم اینکار را بکنند). (چهل و یک ایالت آمریکا ازدواج را میان یک مرد و یک زن تعریف می‌کنند. سه مورد از این ایالت‌ها زبان قانونی دارند که از تعریف این چینی *DOMA* قدیمی تر هستند (پیش از ۱۹۹۶ تصویب شده‌اند). سی ایالت ازدواج را در قانون اساسی خود تعریف کرده‌اند. آریزونا تنها ایالتی است که تاکنون اصلاحیه قانون اساسی در مورد تعریف ازدواج تنها میان یک مرد و یک زن را رد کرده‌است (۲۰۰۶)، ولی بعداً این اصلاحیه در ۲۰۰۸ تصویب شد

در جوامع اغلب محدودیت‌هایی برای ازدواج با فامیل وجود داشته‌است، گرچه شدت این محدودیت‌ها متفاوت بوده‌است. به جز چند مورد استثنایی، ازدواج میان والدین و فرزندان یا میان خواهر و برادر با والدین یکسان زنا محسوب شده و ممنوع بوده‌است. با این وجود، ازدواج میان فامیل‌های دورتر بسیار متعارف بوده‌است، و تخمینی در این باره حاکی از آن است که در ۸۰٪ ازدواج‌ها در طول تاریخ نسبت خانوادگی نوه عمومی والدینی و یا نزدیکتر بوده‌است در دوران مدرن این نسبت کاهش شدیدی داشته‌است، اما هنوز تخمین زده

می‌شود که بیش از ۱۰٪ ازدواج‌ها میان نوه عموهای والدینی یا عموزاده‌ها صورت می‌گیرد در ایالات متحد، امروزه چنین ازدواج‌هایی نکوهیده‌است، و ممنوعیت ازدواج عموزاده‌ها در بیش از ۳۰ ایالت قانونی است. تنوع قابل ملاحظه‌است: در کره جنوبی، در گذشته ازدواج با فردی با نام خانوادگی یکسان غیرقانونی بوده‌است در جوامع زیادی ازدواج به طبقه‌ی اجتماعی فرد محدود بوده‌است - پدیده‌ای که انسان‌شناسان درون‌همسری می‌نامند. یک نمونه از چنین محدودیت‌هایی شرط ازدواج با هم‌قبیله‌ای است. محدودیت در برابر چندهمسری نیز متداول بوده‌است. مخالفت دولت فدرال آمریکا با به رسمیت شناختن دِسِرِت به عنوان یک ایالت بر پایه مخالفت با ازدواج‌های چندهمسری‌ای بود که در گذشته در میان مورمون‌ها رواج داشته‌است. از دیدگاه علم Marriage یا ازدواج فرایند علاقمندی، کشش جسمی، جنسی، روانی و به دنبال آن فراهم سازی شرایط اقتصادی، اجتماعی، علمی، شغلی، خانوادگی، شخصی دو جنس مخالف (زن و مرد یا دختر و پسر) در جهت ایجاد یک زندگی مشترک توأم با تفاهم، محبت، پویایی، زاینده‌گی، و هدفمند که در راس آن بیشترین تأثیرات را مذهب و اعتقاد و دین دو طرف دارد.

در تعریف بالا کلماتی بسیار پر محتوایی بیان شده است که هر کدام نیاز به تفسیری همانند یک کتاب را دارد. برخی ازدواج را با یکدیگر تفکیک می‌کنند یعنی:

ازدواج جنسی مطلق، مخصوص بهایم است

ازدواج روانی مخصوص عشاق است

ازدواج اخلاقی مخصوص عرفا می‌باشد

اما در دین اسلام به محصول مشترکی از این قضایا ازدواج سالم گفته می‌شود. همان طور که در احادیث بیان شده است ازدواج سالم و در پی آن رابطه‌ی جنسی سالم باعث می‌شود که شیاطین در پیش پروردگار اشک میریزند و به اه و ناله می‌افتند.

گفتار دوم: ازدواج سفید

زندگی زناشویی بدون ازدواج رسمی یا زندگی مشترک بدون ازدواج یا از دید برخی دیگر ازدواج سفید^۱ وضعیتی است که زن و مرد با هم زندگی می‌کنند و رابطه جنسی دارند و کارهای مربوط به خانواده بر دوش هر دو نفر است، ولی بسته به تعریف از نظر قانون، عرف و یا شرع زن و شوهر رسمی محسوب نمی‌شوند هم‌باشی نباید با دیگر اشکال قانونی، شرعی و عرفی زندگی مشترک بدون ثبت رسمی از جمله ازدواج حقوق مشترک، نکاح معاطاتی، نکاح عرفی و اتحاد مدنی اشتباه شود.

در دستور زبان ازدواج سفید دو کنشگر را داریم، نزدیکی دو تن را داریم و حذف کنشگر سوم با قصد و نیت فرزند یا فرزندان - در این نوع ازدواج نیز قصد و نیت فرزنددار شدن وجود دارد؛ اما تفاوت آن در حذف عنصر سوم یعنی کنشگر سوم است. وقتی قرار است چیزی معنا پیدا کند خودش را در تمایز نشان می‌دهد (همان‌طور که در بالا به آن اشاره شد)، برای این کار باید قطب‌ها را پیدا کرد، مثل گرم-سرد، مرگ-زندگی. من نیز در این پژوهش ازدواج را گرفتم و برای ادامه کار باید قطب آن را نیز بیاورم.

برخی منابع «هم‌باشی»^۱ «را به معنای» ازدواج سفید «و برقراری رابطه جنسی بدون ثبت پیوند ازدواج در نظر گرفته‌اند

ازدواج مدنی نوعی ازدواج است که در نهادهای دولتی مربوطه و یا سازمان‌های دینی ثبت نمی‌شود. امروزه براساس ازدواج مدنی زن و مرد با هم زندگی می‌کنند و کارهای مربوط به خانواده بر دوش هر دو نفر است ولی از نظر قانون زن و شوهر رسمی محسوب نمی‌شوند

بر اساس تعریف دیگر، هم‌باشی موقعی که دو فرد مجرد از دو جنس متفاوت قبل از ازدواج با هم زندگی می‌کنند، اتفاق می‌افتد. این برای افرادی است که، به تعهد اجتماعی و شخصی که ازدواج لازم دارد تمایل ندارند

^۱ (cohabitation)

در تعریف دیگر، هم‌باشی نوعی از زندگی است که به زندگی زناشویی بدون ازدواج معروف است، که در آن دختر و پسر بدون ازدواج رسمی باهم زندگی می‌کنند این پدیده یک شیوه جایگزین برای ازدواج است که در غرب با عنوان زندگی زناشویی بدون ازدواج (Cohabitation) نیز شناخته شده است و در بیشتر کشورهای اروپایی و امریکایی رواج دارد بدین صورت که رابطه دختر و پسر بدون هیچ توافق مشخص و رسمی صورت می‌پذیرد

مبحث دوم: خاستگاه تاریخی

گفتار اول: در ایران

در زمان ساسانی نوع اصلی ازدواج ایرانی «زنی پادشاهی» خوانده می‌شد که در واقع انتقال قیمومیت دختر از پدر به شوهر بود انواع دیگری هم از ازدواج بود از جمله «چگر» که هنگامی بود که شوهر توانایی فرزندآوری نداشت و زن خود را به عنوان همسر موقت به یکی از نزدیکان می‌داد تا فرزند آورد. چگر را به صورت چگر هم نوشته‌اند نوع دیگر خویدوده بود که ازدواج با خویشاوندان است.

گرچه نهاد خانواده از تاریخ ثبت شده موثق فراتر می‌رود بسیاری از فرهنگ‌ها افسانه‌هایی پیرامون خاستگاه ازدواج دارند. روشی که بدان صورت ازدواج انجام می‌شود و قواعد و انشعابات آن مانند خود نهاد بسته به فرهنگ و ویژگی‌های آماری دوره در طول زمان تغییر کرده‌است فرهنگ‌های گوناگون تئوری‌های خود را در مورد خاستگاه ازدواج داشته‌اند. برای مثال یکی می‌تواند ریشه در نیاز مرد به اطمینان از پدر فرزندانش بودن داشته باشد. در نتیجه شاید او راغب باشد که هزینه عروس را بپردازد یا یک زن را به ازای دسترسی اختصاصی جنسی تأمین کند حلال زادگی نتیجه این معامله‌است تا انگیزه‌های آن. در جامعه کومانچی زنان متأهل بیشتر کار می‌کنند آزادی جنسی را از دست می‌دهند و به نظر نمی‌رسد هیچ سودی از ازدواج عاید کنند.

اما زن‌هایی که می‌شد آنها را به همسری گرفت، همواره منبع حسادت و ستیز در قبیله بودند، بنابراین معمولاً انتخابی جز تن دادن به ازدواج نداشتند». تقریباً در همه جوامع، دستیابی به زن‌ها به نوعی از طریق

رسمی و قانونی ممکن شده است تا بتوان شدت رقابت‌ها را کاهش داد. انواعی از ازدواج‌های گروهی که در آنها بیش از یک نفر از یک جنس شرکت دارد، ولی چندزنی یا چند شوهری نیستند، در تاریخ وجود داشته‌اند. اگرچه که این گونه ازدواج‌ها به ندرت اتفاق می‌افتاد. از ۲۵۰ جامعه آماری که در سال ۱۹۴۹ توسط انسان‌شناس آمریکایی جورج پی. مرداک گزارش شده بود، تنها در میان اهالی کینگنگ برزیل نوعی ازدواج گروهی دیده شد. انواع متفاوتی از ازدواج در دنیا وجود دارد. در بعضی از جوامع، فرد محدود است به اینکه در هر زمان تنها در یک زوج باقی بماند (تک همسری)، در حالیکه سایر فرهنگ‌ها به مرد اجازه می‌دهند که بیش از یک همسر داشته باشد (چندزنی (یا، در جوامع معدودی، به زن اجازه داده می‌شود که بیش از یک شوهر اختیار کند (چندشوهری)). بعضی از جوامع نیز ازدواج بین دو مرد یا دو زن را مجاز می‌دانند. بیشتر جوامع برای ازدواج محدودیت‌هایی روی سن و سال افراد، روابط خویشاوندی پیشین آنها و یا عضویتشان در گروه‌های مذهبی و یا سایر گروه‌های اجتماعی قرار می‌دهند.

در ایران در دی‌ماه ۱۳۹۱، رئیس وقت کمیسیون فرهنگی و اجتماعی شورای شهر تهران در گفتگو با ایلنا، از افزایش زندگی مجردی دانشجویی در شهر تهران در محلات شمال شهر خبر داد. هنوز آمار رسمی در این بخش اعلام نشده است.

گفتار دوم: در سایر کشورها

در یونان باستان، هیچ‌گونه مراسم خاص حقوقی برای ایجاد یک ازدواج لازم نبود - تنها توافق طرفین و اینکه زوج باید یکدیگر را بعنوان زن و شوهر بپذیرند کافی بود مردها معمولاً وقتی به دوره ۲۰ یا ۳۰ سالگی می‌رسیدند ازدواج می‌کردند و انتظار داشتند که زن‌های آنها در اوان نوجوانی باشند. عنوان شده است که این سنین برای یونانیان مناسب بود چرا که مردان معمولاً تا سن ۳۰ از خدمت سربازی فارغ شده بودند، و ازدواج با یک دختر جوان، باکری او را تضمین می‌کرد. زنان ازدواج کرده یونانی در یونان باستان حقوق کمی داشتند و انتظار می‌رفت که از خانه و فرزندان مراقبت کنند زمان، عامل با اهمیتی در ازدواج‌های یونانی بود. به عنوان مثال، بر اساس یک عقیده خرافی، ازدواج در زمانی که ماه کامل بود خوش‌شانسی می‌آورد و

همچنین از نظر رابرت فلاسلیره، یونانیان در زمستان ازدواج می‌کردند وراثت بسیار مهمتر از احساسات بود: زنی که پدرش می‌مرد در صورتی که هیچ وارث مذکری نداشت وادار می‌شد که با نزدیکترین خویشاوند مذکر خود ازدواج کند - حتی اگر اول مجبور بود از شوهرش طلاق بگیرد.

در روم باستان انواع گوناگونی از ازدواج وجود داشت. گونه سنتی (متعارف) آن *conventio in manum* نامیده می‌شد نیاز به مراسمی با حضور شاهدان داشت و با مراسم بخصوصی نیز باطل می‌شد. در این گونه ازدواج، زن حقوق ارث بری را در خانواده سابق خود از دست می‌داد و حقوق خانواده جدیدش را می‌گرفت. او دیگر تحت تبعیت اختیارات همسرش بود. یک نوع ازدواج آزاد وجود داشت تحت عنوان *sine manu*. در این قرارداد، زن همچنان یک عضو از خانواده خود باقی می‌ماند، او تحت تبعیت پدرش می‌ماند، حقوق ارث بری خانواده سابق خود را حفظ می‌کند و هیچ حقوقی در خانواده جدیدش دریافت نمی‌کند. حداقل سن ازدواج برای دختران ۱۲ سال بود.

از اوایل دوره مسیحیت (سالهای ۳۰ تا ۳۲۵)، به ازدواج به دید یک مقوله ی کاملاً خصوصی نگاه می‌شد بدون نیاز به هیچ گونه مراسم خاص مذهبی. اگرچه کشیش ایگناتوس اهل Antioch حدود سال ۱۱۰ به کشیش پلی کرپ اهل Smyrna نوشت، «این گونه‌است که هر دو زن و مردی که با هم ازدواج می‌کنند، که این پیوند با پذیرش کشیش شکل می‌گیرد، که ازدواج آنها در محضر خداوند انجام می‌شود، و نه بر پایه ی شهوت خودشان. در قرن دوازدهم زن‌ها مجبور بودند که نام شوهران خود را بگیرند و با از ابتدای نیمه‌ی دوم قرن شانزدهم رضایتنامه والدین به همراه رضایتنامه کلیسا برای ازدواج لازم بود .

به جز چند مورد محلی تا ۱۵۴۵ ازدواج‌های مسیحی در اروپا، با رضایت طرفین، اعلام قصد ازدواج و وصلت جسمانی دو طرف انجام می‌شد. زوج به طور شفاهی به هم پیمان می‌بستند که با یکدیگر ازدواج کنند. حضور کشیش یا شاهدین الزامی نبود. این پیمان به عنوان "*verbum*" شناخته می‌شد. اگر آزادانه و با فعل زمان حاضر ادا می‌شد (برای مثال «من با تو ازدواج می‌کنم») بدون تردید الزام آور بود. اگر به زمان آینده ادا می‌شد («من با تو ازدواج خواهم کرد»)، منجر به نامزدی می‌شد. یکی از کارکردهای کلیسا در دوران قرون

وسطی ثبت ازدواج‌ها بود که اجباری نبود. به دلیل اینکه این مسائل در دادگاه کلیسایی حل و فصل می‌شد، هیچ مداخله حکومتی در ازدواج و وضعیت فردی وجود نداشت. در قرون وسطی ازدواج‌ها از قبل تعیین می‌شد، حتی گاهی اوقات در هنگام تولد. و این قراردادهای ازدواج معمولاً برای اطمینان از صحت قراردادها میان خانواده‌های مختلف سلطنتی، اشراف و وراثت فیفاها بود. کلیسا در برابر این وصلت‌های تحمیلی مقاومت کرد و دلایل ابطال این قرارها را افزایش داد. در همان حال که مسیحیت در دوره رومن و قرون وسطی گسترش یافت، ایده آزادی انتخاب در گزینش شریک زندگی با آن رشد کرد و گسترده شد.

متوسط سن ازدواج در اواخر قرن سیزدهم تا اوایل قرن شانزدهم، حدود ۲۵ سالگی بوده‌است. نقش ازدواج‌های ثبت شده و قوانین مربوط به ازدواج، به عنوان بخشی از اصلاحات پروتستان، به تصویب دولت رسید. این اصلاحات نگاه مارتین لوتر را منعکس می‌کرد که ازدواج «امری دنیوی» است. در قرن هفدهم، بسیاری از کشورهای اروپایی پروتستان، دچار درگیری با دولت در امر ازدواج، بودند. در سال ۲۰۰۰، متوسط سن ازدواج در گستره ۲۵-۴۴ سالگی برای مردان و ۲۲-۳۹ سالگی برای زنان بود. در انگلستان در سال ۱۷۵۳، اعتبار ازدواج با رضایت و اجماع، تحت قانون تصویب شده Lord Hardwich، در کلیسای آنجلیکا، تعیین می‌شد. این عمل الزامات خاصی همچون، حضور شاهدان در مراسم، را برای ازدواج به وجود می‌آورد.

در بخشی از اقدامات مخالف با اصلاحات، در سال ۱۵۶۳، شورای ترنت فرمان داد که، تنها در صورتی ازدواج کاتولیک روم را به رسمیت می‌شناسد که مراسم رسمی ازدواج در حضور یک کشیش و دو شاهد اجرا شود. این شورا همچنین، در سال ۱۵۶۶، تعلیمات و دستورها مذهبی مرتبط با ازدواج را تحت عنوان «اتحاد زناشویی بین زن و مرد، قرارداد بین دو نفر واجد شرایط، که آنها را ملزم به زندگی با یکدیگر، در طول حیاتشان می‌کند.» صادر کرد.

در اوایل عصر حاضر، جان کالوین و همکاران پروتستانی او، به اصلاح قوانین مسیحی ازدواج، که مورد تصویب احکام حقوقی ازدواج ژنو بود، پرداختند. این اصلاحات، خواستار بازنگری قانون " لزوم شکل‌گیری ازدواج با الزامات دوگانه ثبت نام دولتی و تقدیس کلیسای بود. در انگلستان و ولز در سال ۱۷۵۳، قانون ازدواج Lord